

منظورشناسی احادیث زنانه «من لا یحضره الفقیه»

بر اساس الگوی مایکل هلیدی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

فریبرز حسین جانزاده^۱

محمد شایگان مهر^۲

صدیقه بزرگ‌نیا^۳

چکیده

منظورشناسی به مطالعه منظور پاره‌گفتارهایی می‌پردازد که میان پیام‌رسان و پیام‌گیر و بدل می‌شود. بر اساس این دانش هر پاره‌گفتار می‌تواند در بافت‌های مختلف حامل نقش‌های متفاوتی باشد. مایکل هلیدی (۱۹۷۳م) از نظریه پردازان این عرصه، نقش‌های معنایی - منظوری زبان را هفت نوع معرفی نمود و بر این باور است که این هفت نقش زبانی را می‌توان در تمامی گونه‌های کاربردی زبان ردیابی کرد. در احادیث نبوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام پاره‌گفتارهای متعددی درباره زن وجود دارد که نقش‌های زبانی آن‌ها، بدون در نظر گرفتن بافت کلام، باعث خدشه دار شدن وجهه اجتماعی زن می‌شود. در این پژوهش تلاش می‌شود مجموعه این احادیث - که در کتاب من لا یحضره الفقیه جمع‌آوری شده است - از این منظر بررسی شود. نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۹۶۰ پاره‌گفتاری که درباره زنان در این کتاب روایت شده است، بیشترین بسامد مربوط به نقش اطلاع‌رسانی (۴۱٪) و اکتشافی (۳۳٪) است. این آمار بیان‌گر آن است که ابلاغ پیام خاص مرتبط با زن (اطلاع‌رسانی) و یا پرسش از مسائل فقهی و شرعی (اکتشافی) درباره وی، نه تنها باعث تنزل جایگاه اجتماعی وی نیست، بلکه در بسیاری از پیام‌ها نقش وی را به عنوان کنش‌گر در یک جامعه زبانی برجسته می‌سازد.

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد کاشمر (Janzadeh46@gmail.com).

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد کاشمر (Shaygan47@gmail.com).

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد کاشمر (نویسنده مسئول) (bozorgnia91@gmail.com).

کلیدواژه‌ها: زن، کتاب من لایحضره الفقیه، منظورشناسی، مایکل هلیدی، اطلاع‌رسانی، اکتشافی.

مقدمه

گوشوران هر زبان در گفتگوی روزمره اغلب از ساختارهای زبانی استفاده می‌کنند که معنای ظاهری آن با منظوری که در آن نهفته است، تفاوت زیادی دارد. رایج‌ترین و پربسامدترین این ساختارها - که در همه زبان‌ها نیز از حیث بسامد کاربرد مشابهی دارد - جملات خبری است. این نوع از جملات در وهله نخست، گویای ارسال خبر از طریق پیام‌رسان به پیام‌گیر است، اما با اندکی تعمق و با استناد به دانش منظورشناسی می‌توان دریافت که این تعبیرگاه در معنای اصلی و ظاهری خود به کار نمی‌رود، بلکه هریک در موقعیت‌های مختلف برای ادای منظوره‌های متنوعی کاربرد دارند. بنابراین برای درک درست فحوای سخن و غرض واقعی پیام‌رسان باید نسبت به پیام‌رسان، پیام‌گیر و بافت سخن آگاهی حاصل کرد. اصول مطرح‌شده در منظورشناسی و علم معانی می‌تواند راهگشای فهم پژوهش‌گران این حوزه باشد. با این توضیحات، باید گفتار را در یک بافت اجتماعی بررسی کرد؛ زیرا بافت اجتماعی مقصود شرکت‌کنندگان در هر مکالمه و ساختار آن را تعیین می‌کند. «اگرچه بیشتر افراد از اصول و قواعد حاکم بر مکالمه بی‌اطلاع هستند، اما در طول روز با استفاده از آن‌ها در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف با یکدیگر مکالمه می‌کنند و از این طریق مفاهیم مختلفی را به یکدیگر انتقال می‌دهند»^۱.

از دیگر سو، یک صورت زبانی تک منظوری در تمام بافت‌ها و موقعیت‌های رفتاری وجود ندارد، بلکه بنا بر متغیرهای مختلف، صورت‌های زبان نیز تغییر می‌کند. در متون دینی و فقهی نیز این مسئله صادق است؛ به گونه‌ای که ذکر نکته‌ای فقهی و یا بیان یک مسئله اعتقادی، بسته به بافتی که جمله در آن به کار می‌رود، می‌تواند منظوره‌های متعددی را به پیام‌گیر منتقل می‌کند؛ به عنوان مثال، این حدیث نبوی که آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

إِنَّ مِنْ أَسْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يَقِلَّ الرَّجَالُ، وَيَكْثُرَ النِّسَاءُ، حَتَّى يَكُونَ لِحَمْسِينَ امْرَأَةً الْقِيمُ الْوَاحِدُ؛^۲

از نشانه‌های قیامت است که مردان کم می‌شوند و زنان زیاد می‌شوند تا آن که یک مرد از پنجاه زن سرپرستی می‌کند.

۱. «کشف و توصیف انواع تلویح در فارسی محاوره‌ای با توجه به فرهنگ فارسی‌زبانان تهران»، ص ۱۸۴.

۲. الجامع الصحیح، ج ۶، ص ۱۲۵.

بدون در نظر گرفتن بافت اجتماعی و رفتاری این حدیث، منظوره‌های متعددی از ظاهر حدیث استنباط می‌شود:

الف. اسلام نگاه مثبتی به زن ندارد؛

ب. در هر مکان تعداد زنان از مردان بیشتر بود، آن مکان زمینه برپایی قیامت را فراهم می‌کند؛

ج. کاهش نرخ ازدواج مردان و زنان و همچنین سخت‌گیری‌های بیش از حد در انتخاب همسر که باعث می‌شود یک مرد سرپرست چند زن شود (همسر، مادر، دختر، نوه و غیره) از نشانه‌های قیامت است.

بنابراین در تحلیل سخن باید متغیرهای زیر مدنظر باشد:

۱. طرفین گفتگو (جنسیت، سن، قدرت و جایگاه اجتماعی گوینده و مخاطب)،^۱

۲. موضوع گفتگو،

۳. بافت گفتگو.^۲

با ملاحظه به این سه عامل است که پیام‌رسان منظوره‌های متعددی را به پیام‌گیر منتقل می‌کند. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است نقش‌های زبانی احادیثی که درباره زنان در کتاب من لایحضره الفقیه (۹۶۰ حدیث) روایت شده است، مورد بررسی قرار گیرد و منظور قریب به یقین هر حدیث استخراج گردد. به نظر می‌رسد الگوی همبستگی^۳ (نقش‌های هفت‌گانه) مایکل هلیدی، معیار مناسبی برای ارزیابی منظور احادیث مورد بحث باشد. همچنین، علت انتخاب الگوی هلیدی در مقابل دیگر الگوهای زبانی پیش از آن، این است که از یک سو این الگو، آرای سایر اندیشوران اجتماعی پیش از خود را بسط، تلفیق و ادغام نموده است و الگوی جدیدی برای تحلیل نقش‌های زبانی ارائه نموده است و از دیگر سو، وی تحلیل نقش‌های زبانی را از حوزه زبان‌شناسی به عالم اجتماع گشانده و از آن به مثابه ابزاری نیرومند برای تحلیل‌های زبانی خود استفاده کرده است؛ به طوری که هرپاره‌گفتار تمام عرصه‌های حیات اجتماعی را درمی‌نوردد و اذهان و رفتار کارگزاران فردی و اجتماعی را شکل می‌دهد. با این توضیحات، الگوی هلیدی می‌تواند مدلی مناسب برای تحلیل ساختار زبانی

۱. «نظریة التأدب فی اللسانیات»، ص ۱۳۷.

۲. «السیاق و مقتضی الحال فی مفتاح العلوم: متابعة تداولیة»، ص ۱۶۵.

احادیثی باشد که درباره زنان روایت شده است. هلیدی نقش‌های ارتباطی زبان را در هفت دسته جای می‌دهد که عبارت‌اند از: نقش‌های ابزاری، تنظیم‌کننده، تعاملی، فردی، تخیلی، اکتشافی و اطلاع‌رسانی.^۱ وی معتقد است:

این نقش‌های زبانی توسط بزرگسالان بسیار متنوع‌تر از نقش‌هایی است که توسط کودکان به کار گرفته می‌شود.^۲

زیرا بافت‌های موقعیتی که بزرگسالان در آن قرار می‌گیرند، بسیار گسترده‌تر و متنوع‌تر از بافت‌های موقعیتی کودکان است.

۱. ادبیات پژوهش

چندی است منظورشناسی به عنوان شاخه‌ای مهم از زبان‌شناسی مطرح نظر بسیاری از زبان‌شناسان همچون کتزر، لاکوف، آستین، سرل، گرایس، هالیدی و غیره قرار گرفته است. بیشتر این زبان‌شناسان برای باورند که:

بیشتر اوقات منظور و مقصود گویشوران از کلماتی که به کار می‌برند، بسیار فراتر از معنای ظاهری آن است.^۳

درک نقاط برجستگی معنای ضمنی سخن بر عهده منظورشناسی است. در تعاریف متعدد از منظورشناسی نیز بر این مهم تأکید شده است:

منظورشناسی مطالعه معانی گفته‌ها در موقعیت‌های مختلف است.^۴

بنابراین در منظورشناسی «بیشتر با تحلیل افراد از گفته‌هایشان سروکار داریم تا با معنای خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند».^۵ درست به همین جهت است که «منظورشناسی روی جنبه‌هایی از معنا تمرکز می‌کند که نمی‌تواند تنها توسط زبان‌شناسی محض پیش‌بینی شود. بنابراین از علومی همچون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز کمک می‌گیرد».^۶

1. Explorations in the functions of language. Pp: 4.

۲. رویکرد ارتباطی در آموزش زبان، ص ۳۰.

3. Meaning in Interaction: An introduction to pragmatics. Pp: 1.

4. Principles of pragmatics. Pp: 3.

۵. کاربردشناسی زبان، ص ۱۱.

6. Pragmatics. Pp: 2.

درباره ارتباط زبان با جامعه‌شناسی ذکر این نکته حایز اهمیت است که «زبان به مثابه یک کُنش اجتماعی به گونه‌ای به کار می‌رود تا بتواند ارتباط فرد را با دیگران به خوبی توصیف کرده و به او هویت بخشد».^۱ زبان همواره تحت تأثیر اجتماع است و با پدیده‌های اجتماعی پیوندی ناگسستنی دارد؛ تا جایی که «برخی از زبان‌شناسان، تأثیر جامعه و تحولات آن را بر زبان، بیشتر از تأثیر زبان بر جامعه می‌دانند».^۲ زبان می‌تواند تجلی‌گاه طرز برخوردها و رفتارهای مختلف اجتماعی باشد؛ زیرا «هر نوع تغییر ساخت ظاهری زبان، نمودی از تغییر عقیده و رفتار اجتماعی است».^۳

زن به عنوان نیمی از بشریت در طول تاریخ در معرض ناداوری‌های گوناگونی قرار گرفته است. نگاهی گذرا به تاریخ چنین می‌نماید که زن در بیشتر جوامع از نوعی محرومیت رنج برده و حقوق انسانی او تحت سیطره فرهنگ مردسالاری تضييع شده است. این در حالی است که در برخی از آثار گفتاری و یا نوشتاری، زن به گونه‌ای مورد خطاب قرار می‌گیرد که حرمت و جایگاه اجتماعی او خدشه‌دار می‌گردد. در چنین آثاری، هر واژه و جمله‌ای که درباره زن به کار گرفته می‌شود، می‌تواند تأثیری مستقیم در تعالی و یا رکود جایگاه وی در جامعه داشته باشد. برخی ناباوران با استناد به تعدادی از احادیثی که در آن‌ها مسائل فقهی مرتبط با زن با صراحت لهجه خاصی مطرح شده است و در برداشت اولیه چنین گمان می‌شود که با چنین ادبیاتی جایگاه اجتماعی زن دچار تعرض می‌گردد، نص حدیث را مخالف ادب قلمداد می‌کنند. در پاسخ به این ادعا باید گفت که علم فقه اقتضا می‌کند بسیاری از مسائلی که در باور عموم تابوتلقی می‌گردد، به صورت شفاف مطرح گردد و قانون و قواعد فقهی آن بسط و شرح شود؛ اما باید برای رأی صادر کردن درباره این احادیث، بافت حدیث و موضوع و مخاطب بررسی شود و نقش زبانی حدیث استخراج گردد و منظور نهایی آن بر اساس متغیرهای منظورشناسی استنباط گردد.

از آن جا که یکی از راه‌های ارزیابی احادیث روایت شده از پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت، شناخت و تحلیل ساختار زبانی آن است. لذا جستار حاضر در تلاش است تا میزان تأثیرگذاری ساختارهای زبانی در هدف‌مندسازی منظور احادیث زنانه کتاب من لا یحضره الفقیه را ارزیابی کند. همچنین از آنجا که در میان غیرمسلمانان و به ویژه بیماردلانی که نسبت به

1. The Sociolinguistics of Language. Pp: 1.

2. sociolinguistics: an Introduction to Language and Society. Pp: 26.

۳. «بررسی زبان مؤدبانه در فارسی کنونی از نظر جامعه‌شناسی زبان»، ص ۲۷۲.

اسلام و قرآن و روایات معصومان علیهم السلام مغرضانه رفتار می‌کنند، سخنانی نقل شده است که قصد تغییر دادن دید انسان‌ها نسبت به قرآن و معصومان علیهم السلام دارد، و صورت مسأله را این‌گونه تغییر می‌دهند که اسلام باعث تنزل مادی و معنوی جایگاه زنان شده است. از این رو انجام پژوهشی مستقل و کیفی بر پایه داده‌های زبان‌شناسی در رد نظریه این بیماردلان براهمیت تحقیقی در این موضوع تأکیدی مضاعف می‌کند. با توجه به ضرورت یادشده، در این پژوهش تلاش بر آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- ساختار زبانی احادیث زنانه کتاب من لایحضره الفقیه چگونه است؟

- پربسامدترین نقش زبانی در این احادیث کدام است؟

به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها در گام نخست، تمام پاره‌گفتارهای احادیث مرتبط به زنان - که در کتاب من لایحضره الفقیه روایت شده است و در رابطه با موضوع، اهداف و پرسش‌های پژوهش قرار می‌گیرد - گردآوری شد. برای بررسی داده‌ها و دست‌یابی به نتیجه مناسب از روش تحلیل محتوا استفاده شد. لذا تمامی پاره‌گفتارهای احادیث، تحلیل و بررسی شد و بر اساس نظریه همبستگی هلیدی در جدول‌های مخصوص دسته‌بندی گردید تا بستری مناسب برای بررسی موضوع و محتوای آن‌ها فراهم شود. برای عینی‌تر شدن تحلیل و امکان بررسی سنجیده‌تر، بسامد داده‌های برگرفته از احادیث، اندازه‌گیری شد و به کمک فنون آمار توصیفی و استنباطی، نتایج پژوهش تفسیر گردید. در توضیح می‌افزاییم که شیوه ارجاع به احادیث روایت شده از کتب اربعه بر اساس کدهایی است که برای هر حدیث در سامانه اهل‌البیت^۱ تعریف شده است.

۲. پیشینه تحقیق

در میان انبوه پژوهش‌های مرتبط با بنیاد نظری پژوهش حاضر می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: کتاب‌ها: عقیقی (۱۹۹۵م) در علم الاجتماع اللغوی اذعان داشت که در زبان‌شناسی اجتماعی، زبان به عنوان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا برای تحلیل زبان باید نقش‌های اجتماعی آن مورد مطالعه قرار گیرد. وی در این کتاب به الگوی جامعه‌شناسی زبان هلیدی نیز پرداخت. أحمد نحله (۲۰۰۱م) در علم اللغة النظامی: مدخل إلى النظرية اللغوية عند هالیدی به الگوی انسجام متنی هلیدی پرداخته و مؤلفه‌های مرتبط

1. <http://ahlolbait.com/>

به این نظریه را مطرح نموده است.

مقالات: حمداوی (۲۰۱۲م) در «نظریات وظائف اللغه» به بررسی تمامی الگوهایی که کارکردهای زبان را تقسیم بندی نموده اند، می پردازد. وی الگوهای وینگنشتاین،^۱ یاکوبسن،^۲ ویگوتسکی،^۳ بوهرلر،^۴ پوپر،^۵ موریس^۶ و هلیدی^۷ را به تفصیل مطرح، و ابعاد و مؤلفه های آن ها را بیان کرد و در این میان نقش های هفت گانه هلیدی را نیز تفسیر نمود. فرحی سعیدانی (۲۰۱۳م) در «التخطیط اللغوی فی ظل وظائف اللغه» کارکردهای زبان را براساس محیط جغرافیایی تقسیم بندی نمود. وی در بیان کارکردهای بین المللی زبان، هفت نقش زبان را - که هلیدی آن ها را مطرح نموده است - جزو نقش های مشترک تمامی زبان ها در تمامی مناطق جغرافیایی معرفی نمود. دربال بلال (۲۰۱۵م) در «وظائف اللغه بین اللسانیات العامة و اللسانیة الاجتماعية» نقش های زبان را براساس زبان شناسی همگانی و زبان شناسی اجتماعی، به ده دسته تقسیم می کند که مهم ترین آن ها نقش های هفت گانه هلیدی است و علاوه براین هفت نقش، نقش های منطقه ای، بین المللی و آموزشی را نیز می افزاید. مرزبان و محبی تبار (۱۳۹۲ش) در «بررسی نام گذاری مضامین دفاع مقدس برمبنای نظریه نظام مند نقشی هلیدی در اشعار قیصرامین پور» براین باورند که نام گذاری مضامین و انتخاب واژگان، عاملی تعیین کننده در شکل گیری فرانش اندیشگانی زبان شعری قیصرامین پور دارد. بلحوت (۲۰۱۳م) در «طبیعة النص و علاقتة بسباق المقام من منظور مایکل هالیدای» به بررسی ارتباط های درونی و بیرونی متن پرداخت و نظریه انسجام متنی هلیدی را - که گریزی به مبحث حال و مقتضا نیز دارد - تبیین نمود. صادقی و نقی زاده (۱۳۹۴ش) در «تفسیر ساختاری سوره کوثر برپایه نظریه زبان شناسی نقش گرای نظام مند هلیدی»، با بهره گیری از متغیرهای بافتی، فرانش تجربی، بینافردی و متنی، نکات معناشناسی جدیدی را درباره سوره کوثر ارائه کردند. رضایی و علی پور (۱۳۹۱ش) در

1. Ludwig_Wittgenstein
2. Roman_Jakobson
3. Lev_Vygotsky
4. Buhler
5. Popper
6. Maurice_Grevisse
7. Michael_Halliday

«بررسی متون خواننداری مجموعه فارسی بیاموزیم براساس نقش‌های هفت‌گانه زبان از دیدگاه هلیدی» به دنبال کشف میزان توجه به نقش‌های زبانی در کتاب‌های آموزش زبان فارسی هستند و به این نتیجه رسیدند که نقش‌های موجود در مجموعه فارسی بیاموزیم با شش نقش از نقش‌های هفت‌گانه هلیدی تطابق دارد و نقش تعاملی بالاترین بسامد را در این مجموعه به خود اختصاص داده است. تحریریان و مرادی مقدم (۱۳۹۳ش) در «بررسی گرایش‌ها و تحلیل بین‌فرهنگی دیوارنوشته‌ها: گفتمان خاموش» ضمن قراردادن متون نوشتاری اصناف مختلف، در اینجا دیوارنوشته‌ها، در زمره گفتمان خاموش، آن‌ها را نظام‌مند معرفی می‌کنند و تحلیل آن‌ها را منطبق با الگوهای معنایی هلیدی می‌دانند.

پایان‌نامه‌ها: قاسمی خیبری (۱۳۹۱ش) در «تحلیل گفتمانی پیامک‌های تلفنی فارسی‌زبانان براساس معیار انسجام متن هلیدی»، پیامک‌های تلفنی را دارای نظامی گفتمانی دانست که عامل حذف، بالاترین بسامد را در میان ابزارهای انسجامی هلیدی به خود اختصاص داده است. یمینه جدره (۲۰۱۴م) در «الاتساق النصی فی الخطاب الأدبی: قصة الطائر الذی نسی ریشه» اثبات نمود که می‌توان الگوی انسجام متنی هلیدی را در تمامی آثار داستانی پیاده نمود. او به عنوان نمونه این الگورا در داستان «پرنده‌ای که پرش را جا گذاشت» از زیاد علی اللیبی اجرا نمود. فلاحی (۱۳۸۸ش) در «بررسی مقابله‌ای ضرب‌المثل‌ها در زبان انگلیسی و فارسی از دیدگاه جامعه‌شناختی زبان»، ضرب‌المثل‌های انگلیسی و فارسی را گزینه‌ای مناسب جهت بررسی و تقابل ادبیات و فرهنگ این دو زبان می‌داند.

در باره پیشینه جامعه آماری پژوهش حاضر می‌توان گفت بیشترین پژوهش‌ها به بررسی محتوا و سند روایی احادیث زنانه کتاب من لایحضره الفقیه پرداختند و این احادیث از منظر زبان‌شناسی و منظورشناسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار نگرفتند. بنابراین می‌توان به درستی ادعا کرد که این نخستین اثری است که به تحلیل ساختاری نظام زبانی احادیث زنانه کتاب من لایحضره الفقیه می‌پردازد.

۳. بحث و بررسی

۱-۳. معناشناسی و نقش‌های معنایی - منظوری

یکی از شاخه‌های علم بلاغت، معناشناسی یا علم معانی است که عبارت است از «علم به اصول و قواعدی که به یاری آن کیفیت مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام شناخته

می‌شود.^۱ موضوع علم معانی «افاده معانی ثانوی است که متلکم بلیغ، از کلام مطابق با مقتضای حال اراده می‌کند».^۲ این دانش ارتباط زیادی با نظریه‌های نقد نوین ادبی دارد. تا پیش از دوره معاصر، زبان تنها ابزاری بوده که نویسندگان آن را برای رسیدن به مقاصد خاص خود و ایجاد تأثیرات مورد نظر خود به کار می‌گرفت؛ اما در دوران معاصر شاهد تغییرات بنیادین در نگرش منتقدان ادبی به زبان و ارتباط آن با ادبیات هستیم.^۳ با انتشار مجموعه مقالات فردینادو سوسور در زمینه دانش زبان‌شناسی و بررسی و توصیف زبان، انقلابی عظیم صورت گرفت و از آن پس زبان به شیوه‌ای علمی مورد بررسی و توجه قرار گرفت.^۴ گروهی از زبان‌شناسان، تحت تأثیر این تعبیر نوین از زبان قرار گرفتند که بسیاری از دیدگاه‌های آن‌ها مشابه مواردی است که در علم معانی با آن سروکار داریم.

از آن جا که علم معانی با دیدگاه‌های بلاغی - دستوری به آثار ادبی می‌نگرد، چنین رفتاری این علم را به دانش زبان‌شناسی به خصوص نقد زبان‌شناختی مرتبط می‌سازد. «وجود مباحثی نظیر فصاحت کلام، عیوب مُخَلِّ فصاحت، اغراض ثانوی کلام، بررسی بافت و ساخت جمله و کلام در علم معانی، شباهت و ارتباط بسیار زیاد این علم را با سه شاخه اصلی زبان‌شناسی و نیز نقد نوین ادبی آشکار می‌سازد».^۵ بحث معانی و کاربردهای ثانوی جمله در علم معانی با شاخه معناشناسی در دانش زبان‌شناسی مرتبط است. نحو و ساختارهای نحوی جمله با شاخه نحو ارتباط دارد و همچنین از آن جا که علم معانی به بررسی کلام می‌پردازد، می‌توان آن را با مبحث تحلیل گفتمان^۶ و منظورشناسی در نقد جدید ادبی مقایسه کرد.

در منظورشناسی نظرایین است که یک جمله می‌تواند در بسترها و بافت‌های مختلف نقش‌های متفاوتی داشته باشد که به نقش‌های معنایی - منظوری شناخته می‌شود.^۷ به روش معمول، یکی از این نقش‌ها مرسوم‌تر است و بسامد بیشتری دارد و به قول علمای علم معانی، معنای اولیه محسوب می‌شود و نقش‌های دیگر، معانی ثانویه.^۸ سه نوع کلام خبری،

۱. معانی و بیان، ص ۲۹.

۲. معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، ص ۲۱.

۳. دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید، ص ۱۲.

۴. فقه اللغة العربية، ص ۲۸.

۵. الأسلوبية الرؤیة و التطبيق، ص ۵۸.

6. Discourse Analysis

۷. «مقابله منظورشناختی در زبان‌های انگلیسی و فارسی»، ص ۱۴۸.

۸. جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع، ص ۵۲.

پرسشی و امری از اشتراکات زبان‌های بشری محسوب می‌شوند و در تمام زبان‌های دنیا حداقل دو یا سه نوع از این جملات یافت می‌شود.^۱ در همسان‌سازی مقوله‌های دستوری و معنایی - منظوری، گوینده با بنیادی‌ترین شکل استفاده از جمله‌های زبان سروکار دارد. گوینده برای دادن خبر، کسب اطلاع و صدور فرمان، به ترتیب، از جمله‌های خبری، پرسشی و امری استفاده می‌کند. در چنین تعبیری، مقوله‌های دستوری با مقوله‌های معانی - منظوری آن همسان شده‌اند؛ اما گاه چنین همسانی میان ظاهر سخن و منظور آن وجود ندارد؛ بدین شکل که پیام‌رسان برای امر کردن به فردی دیگر از جمله خبری یا پرسشی استفاده می‌کند. در چنین تعبیری، مقوله‌های دستوری از غرض اصلی خود عدول کرده و در اغراض دیگری به کار می‌رود.

۲-۳. نقش‌های زبانی احادیث زنانه کتاب من لایحضره الفقیه بر اساس الگوی هلیدی

نوع بیان در متونی که درباره زنان به رشته تحریر درمی‌آید، امری است مشکل که نیاز است خالق اثر (ادیب) در خصوص جنبه‌های کاربردی - زبانی^۲ و اجتماعی - کاربردی^۳ مهارت کافی داشته باشد. این مهارت هرچه بیشتر باشد و ادیب درک بالاتری از کاربرد صحیح زبان خاص زنان داشته باشد، کمتر دچار خطا می‌شود و در نتیجه، انتقال‌های منفی کاربردشناختی زبان به مخاطب کمتر صورت می‌گیرد.

زبان‌شناسانی که در پژوهش‌هایشان به‌طور دقیق و علمی به توسعه منظورشناسی و مولفه‌های آن می‌پردازند، براین باورند «در تمامی کنش‌های گفتاری^۴ همچون درخواست، گلایه، انتقاد، تمجید و قول دادن که ارتباط کلامی میان پیام‌رسان و پیام‌گیر پدید می‌آید باید روابط اجتماعی ارتباط نیز ملاحظه شود».^۵ تا اعتبار اجتماعی^۶ پیام‌رسان و پیام‌گیر تهدید نشود.^۷ مایکل هلیدی نیز از جمله شاخص‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه به بسط نقش‌های

1. Language and linguistics. Pp: 3.

2. pragmalinguistic

3. sociopragmatic

4. speech acts.

5. "Reconsidering power and distance". Pp: 1.

۶. Social prestige: این اصطلاح به عنوان رتبه، پایگاه و موقعیت اجتماعی اشخاص، گروه‌ها و سازمان‌ها در مقایسه با یکدیگر به کار می‌رود.

۷. «نظریة التأدب فی اللسانیات»، ص ۱۳۶.

زبانی پرداخت و الگوی همبستگی زبانی را معرفی نمود. او برای زبان هفت نقش اصلی برشمرده است و با طرح یک الگو «در پی آن است تا کارکردهای اجتماعی زبان را در این تقسیم‌بندی بگنجانند».^۱ او بر این باور است که «هر عبارت به طور همزمان بیان‌گر یک یا بیش از یک نقش زبانی است».^۲ در ادامه نقش‌های هفت‌گانه‌ای که هیلیدی برای عبارات زبانی برشمرده است به همراه مصادیقی از احادیث زنانه کتاب من لا یحضره الفقیه آورده می‌شود.

۳-۲-۱. نقش اطلاع‌رسانی^۳

پیام‌رسان در این نقش زبانی در پی آن است «خبری را به شخصی که از آن خبر بی اطلاع است برساند».^۴ از این نقش زبانی برای «بیان واقعیات، اطلاعات، رویدادها و حوادث استفاده می‌شود».^۵ عباراتی که دلالت بر مفاهیم زیرداشته باشد، در این نقش زبانی استفاده شده است: خبر دادن، مشخصات ظاهری افراد را دادن، اطلاعات منطقه‌ای، تعریف یک حادثه، بیان زمان رویداد، خبر غیرمنتظره دادن، آدرس دادن، بیان دلیل ناراحتی، بیان تصمیمات، گفتن قیمت اشیاء، جواب دادن برای رفع ابهام و غیره. شیوه ارائه اطلاعات، نشانگر نظر گوینده در مورد این است که اطلاعات ارائه شده با دانش شنونده متناسب است و به اندازه خود پیام اهمیت دارد.^۶

این نقش در متون علمی پرکاربردتر است؛ زیرا «در این نوع متون، هدف اصلی از انتقال پیام، انتقال معنای ارجاعی آن است».^۷ در نقش اطلاع‌رسانی «تأکید بر بافت غیرزبانی است که در روند کنش ارتباطی به آن اشاره می‌شود و عوامل دیگر همچون ویژگی‌های گوینده، مخاطب یا صورت گفته اهمیت کمتری دارد».^۸

نقش اطلاع‌رسانی به عنوان پربسامدترین نقش زبانی (۴۱٪) در ردیف نخست احادیث مرتبط با زن در کتاب من لا یحضره الفقیه قرار دارد. به چند حدیث زیر که در این نقش زبانی

1. Creating authentic materials and activities for the adult literacy classroom: A handbook for practitioners. Pp: 17.

2. Explorations in the functions of language. Pp: 37

3. Informative.

۴. همان، ص ۳۷.

۵. همان، ص ۳۸.

6. "Givenness, Contrastiveness, Definiteness, Subjects Topics and point of view". Pp: 28.

۷. زبان فارسی، ص ۲۲.

۸. دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ج ۱، ص ۱۵۸.

به کار رفته است، بنگرید:

گزاره	پیام‌رسان	پیام‌گیر	بافت
إِنَّ الْمَرْأَةَ لَا تَرِثُ مِمَّا تَرَكَ زَوْجُهَا مِنَ الْقُرَى وَالذُّورِ وَالسِّلَاحِ وَالدَّوَابِّ ^۱	امام باقر <small>علیه السلام</small>	عموم مردم	موارد ارث زن
إِنَّمَا جُعِلَ لِلْمَرْأَةِ قِيمَةُ الْحَشَبِ وَالطُّوبِ لِيَنَالَ تَتَزَوَّجَ فَتُدْخَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ يُفْسِدُ مَوَارِيثَهُمْ ^۲	امام صادق <small>علیه السلام</small>	سؤال‌کننده	میزان ارث زن
مَنْ غَشِيَ امْرَأَتَهُ بَعْدَ انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ جُلِدَ الْحَدَّ ^۳	امام جعفر <small>علیه السلام</small>	راوی	اجرای حد زنا
رَجُلٌ وَقَعَ عَلَى امْرَأَةٍ أَبِيهِ فَرَجَمَهُ وَكَانَ غَيْرَ مُخَصَّنٍ ^۴	امام علی <small>علیه السلام</small>	سؤال‌کننده	اجرای حد زنا
لَيْسَ عَلَى زَانٍ عَقْرٌ وَلَا عَلَى مُسْتَكْرَهَةٍ حَدٌّ ^۵	امام علی <small>علیه السلام</small>	جعفر بن محمد	نوع حد زنا
يُضْرَبُ الرَّجُلُ الْحَدَّ قَائِمًا وَالْمَرْأَةُ قَاعِدَةً ^۶	امام جعفر <small>علیه السلام</small>	راوی	شکل اجرای حد زن
فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى النَّاسِ فِي الْوُضُوءِ أَنْ تَبْدَأَ الْمَرْأَةُ بِبَاطِنِ ذِرَاعِهَا وَالرَّجُلُ بِظَاهِرِ الذِّرَاعِ ^۷	امام رضا <small>علیه السلام</small>	راوی	شرایط وضوی زن

با بررسی احادیث فوق و درک نقش اطلاع‌رسانی مستدرک از آن، چنین برمی‌آید که پیام‌رسان در برقراری ارتباط و با تکیه بر اهداف تعلیمی حدیث، می‌تواند پیام‌گیری خاص را مدنظر قرار دهد و در عین حال، جهت‌گیری پیام تعلیمی را به سمت مخاطبی عام نیز سوق دهد. این نوع پیام می‌تواند به روش مستقیم و غیرمستقیم^۸ صورت بگیرد که البته در احادیث مورد بررسی روش مستقیم این پیام‌ها پرکاربردتر از روش غیرمستقیم آن است. شاید

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۴۷.

۲. همان، ج ۴، ص ۳۴۸.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۷.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۴.

۵. همان، ج ۴، ص ۴۰.

۶. همان، ج ۴، ص ۲۹.

۷. همان، ج ۱، ص ۴۹.

۸. در روش مستقیم، پیام‌رسان بدون هیچ پوشیدگی و خارج از زبان کنایی و رمزگونه، پیام موردنظر را مستقیماً به پیام‌گیر انتقال می‌دهد؛ اما در روش غیرمستقیم پیام‌رسان تا حد امکان زبان کنایی و رمزگونه استفاده می‌نماید.

بتوان دلیل این بسامد را در این دانست که طرح مباحث فقهی و آموزشی - که گاه جا به جایی برخی از واژگان آن باعث درک نادرست از پیام مورد نظر می‌گردد - ایجاب می‌کند که پیام‌رسان سخن خود را به صورت مستقیم و بدون پرده بیان نماید. به همین جهت است که در برخی از احادیث پیام‌رسان از واژگان و تعابیری استفاده می‌نماید که در گفتگوی روزمره تابو به شمار می‌آید؛ اما طرح چنین تعابیری با ماهیت علم حدیث منافات ندارد.

بنابراین جهت‌گیری پیام در احادیث فوق بیشتر به سمت موضوع است. «در این نقش زبانی، جملات قابل صدق و کذب هستند؛ زیرا از نوع جملات اخباری نیستند»^۱ مهم‌ترین نکته در نقش‌های زبانی احادیث فوق، موضوع پیام و امکان بررسی صحت و سُقم موضوع است. این نقش و اهمیت آن موجب می‌شود پیام‌رسان (پیامبر و ائمه معصومین) سخن را به صورتی کاملاً روشن و بدون استفاده از واژه‌های چندمعنایی به گونه‌ای ادا کند که امکان بروز ابهام در معانی جمله میسر نشود.

۲-۲-۳. نقش اکتشافی^۲

در این نقش، «پیام‌رسان به کمک زبان کسب اطلاعات می‌کند و درباره چیزی سؤال می‌کند و یا چیزی فرامی‌گیرد»^۳. عباراتی که دلالت بر پرسش‌های زیرداشته باشند، در این نقش زبانی به کار رفته‌اند: پرسیدن زمان رویداد، پیگیری دلیل یک رخداد، سراغ کسی را گرفتن، نظر کسی را پرسیدن، اطلاعات خواستن، پرسش از خصوصیات افراد، پرسیدن قیمت اشیاء، پرسش در مورد تصمیمات و غیره. در احادیث زنانه کتاب من لایحضره الفقیه گزاره‌های متعددی در نقش اکتشافی به کار رفته است (۳۳٪) که همه آن‌ها از شاکله‌های مهم در کنش‌گری گزاره‌های زبانی این احادیث به شمار می‌آید و نقش مهمی در بلاغت و تأثیر کنشی و بیرونی گزاره‌های زبانی دارد. سازوکارهای کنشی این گزاره‌ها - که تمامی آن‌ها برای انتقال تفکر، پیام و عواطف به جای نقش اطلاع‌رسانی به کار رفته‌اند - بر اساس رهیافت‌های منظورشناسی قابل تبیین است. در زیر به برخی از این احادیث باتکیه بر اطلاعات فرامتنی، تاریخی و اجتماعی نقل حدیث، اشاره می‌شود:

۱. نوشته‌های پراکنده، دفتر سوم: نگاهی به بسامد و بسامدنویسی، ص ۲.

2. Heuristic.

3. Explorations in the functions of language. Pp:38.

گزاره	پیام‌رسان	پیام‌گیر	بافت
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَجُلٍ كَانَتْ لَهُ أُمٌّ وَلَدٍ وَلَهُ مِنْهَا عَلَامٌ فَلَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ أَوْصَى لَهَا بِالْفِي دِرْهِمٍ أَوْ بِأَكْثَرِ لِلْوَرْتَةِ أَنْ يَشْتَرِقُوهَا ^۱	امام صادق <small>علیه السلام</small>	ابوعبیده	جزئیات ارث زن
سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ امْرَأَةٍ مَاتَتْ وَتَرَكَتْ زَوْجَهَا وَلَا وَاِرِثَ لَهَا غَيْرُهُ ^۲	امام باقر <small>علیه السلام</small>	ابوبصیر	میزان ارث زن
سَأَلْتُهُ مَا الْعِلَّةُ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ مَرِيضٌ فِي حَالِ الْأَضْرَارِ وَرِثَتُهُ وَلَمْ يَرْتَبِهَا؟ ^۳	امام صادق <small>علیه السلام</small>	راوی	میراث زن
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ امْرَأَةٍ اسْتَوْدَعَتْ رَجُلًا مَالًا فَلَمَّا حَضَرَهَا الْمَوْتُ قَالَتْ لَهُ إِنَّ الْمَالَ الَّذِي دَفَعْتُهُ إِلَيْكَ لِفُلَانَةٍ وَ... ^۴	امام جعفر <small>علیه السلام</small>	ابن مسکان	تعیین ارث
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَنِ لَصِيٍّ دَخَلَ عَلَى امْرَأَةٍ حُبْلَى فَوَقَعَ عَلَيْهَا... ^۵	امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small>	محمد بن الفضیل	دیه زن
سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ مُحْصَنٍ فَجَرَّ بِامْرَأَةٍ فَشَهِدَ عَلَيْهِ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَامْرَأَتَانِ ^۶	امام جعفر <small>علیه السلام</small>	الحلبی	میراث زن

در توضیح جدول فوق باید گفت که حرکت پرسش‌واژه‌های احادیث فوق مرتبط با نقش اکتشافی آن‌هاست. لذا حرکت پرسش‌واژه‌هایی همچون سَأَلْتُ و سُئِلَ با تفصیل زیاد و

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۱۶.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۶۲.

۳. همان، ج ۴، ص ۳۱۱.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۲۹.

۵. همان، ج ۴، ص ۱۶۴.

۶. همان، ج ۴، ص ۲۵.

پرسش مستقیم است. این نقش زبانی نشان می‌دهد که پرسش به متن حدیث وابستگی مضاعفی دارد؛ زیرا بعد از چند پاراگراف جنبه‌های مبهم برای پیام‌رسان شفاف خواهد شد. تکرار این ساختار در احادیث متعدد کتاب من لایحضره الفقیه بر میزان خوش ساخت بودن پرسش (سأل) و وابسته بودن آن به متن، تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

در مواجهه با نقش اکتشافی احادیث زنانه چنین به نظر می‌آید که فراتر از فهم معنای واژه‌ها، مقاصد نویسنده و شرایط تولید متن را نیز می‌توان شناسایی کرد و از این طریق به فهم کاملی از زمینه‌های صدور آن دست پیدا کرد. منظورشناسی واژگان کلیدی احادیث فوق نشان می‌دهد که واژه مشترک همه آن‌ها از ریشه «سأل» است که در ادامه بر اصل مهمی در راستای پرسش‌گری پیام‌رسان تأکید دارد. این اشتراک بر این اصل مبتنی است که پیام‌رسان (پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام) در ارتباط خود با پیام‌گیر (راوی)، از واژگان و تعبیری استفاده می‌کند که ذهنش روی آن‌ها متمرکز است و به عنوان نقش اصلی زبان (نقش اکتشافی) در ذهن پیام‌رسان جولان می‌یابد.

۳-۲-۳. نقش تعاملی^۱

در این نقش، از زبان «برای ایجاد روابط اجتماعی و تعامل با دیگران»^۲ استفاده می‌شود. تعاملات کلامی در همه زبان‌ها وجود دارد؛ اما نوع و شیوه عرضه آن‌ها متفاوت است. «این تفاوت‌ها تابع عوامل فرازبانی مانند ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جوامع هستند»؛^۳ اگرچه ماهیت حدیث بر پایه تعامل بنا نهاده شده است؛ زیرا دوطرف این ارتباط (پیام‌رسان و پیام‌گیر) هم‌زمان و یا در برهه‌ای خاص در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و در راستای موضوعی خاص به پرسش و پاسخ می‌نشینند. نقش تعاملی در عباراتی که بر مفاهیم زیردالت داشته باشد، بروز می‌کند: احوال‌پرسی، پرسش و پاسخ، دعوت کردن، پذیرفتن و نپذیرفتن دعوت، پیشنهاد کردن، تشویق کردن، قول دادن، قول گرفتن، دعا کردن، بیان آرزو و معرفی اشخاص. اگر به منظور بازنمایی دقیق تر نقش تعاملی، به دنبال مصداقی باشیم، می‌توان به عبارت‌های زیر از احادیث کتاب من لایحضره الفقیه استناد کرد:

1. Interactional.

2. Explorations in the functions of language. Pp: 32.

۳. «بررسی متغیرهای فرهنگی در ارتباطات میان ایرانیان و فرانسویان براساس الگوهای زبانی»، ص ۱۸۱.

بافت	پیام گیر	پیام رسان	گزاره
عدم درک شرایط طلاق	عبدالحمید	امام صادق علیه السلام	وفی شاهدین شهدا عند امرأة بان زوجها طلقها فتزوجت ثم جاء زوجها قال يضربان الحد ويضمنان الصداق للزوج... ^۱
جزئیات متعه	ابو بصیر	امام صادق علیه السلام	وسئل أبو عبد الله عليه السلام عن المتعة أهي من الأربع قال لا ولا من السبعين ^۲
دیة زن تجاوزشده	زید	امام باقر علیه السلام	فی رجل نکح امرأته فی دبرها فألح علیها حتی ماتت من ذلك قال علیه الدیة ^۳
شرایط غسل زن	راوی	امام صادق علیه السلام	عن الرجل یصیب المزة فیما دون الفرج أعلیها غسل إن هو أنزل ولم تنزل هی قال لیس علیها غسل وإن لم ینزل هو فلیس علیه غسل ^۴
احکام ازدواج با کنیز	ابوالعباس	امام صادق علیه السلام	قلت لأبی عبد الله یتزوج الرجل الأمة بغير علم أهلها قال هو زنی إن الله ینزل یقول فأنکحوهن یاذن أهلها ^۵
احکام ازدواج با کنیز	فضیل	امام صادق علیه السلام	قلت لأبی عبد الله جعلت فداک إن بعض أصحابنا روی عنک أنك قلت إذا حل الرجل لأخیه المؤمن فرج جاریته فهو له حلال فقال له نعم یا فضیل قلت فما تقول فی رجل عنده جاریه له نفیسة وهی بکرأحل لأخ له ما دون الفرج أله أن یفتضها قال لا لیس له إلا ما أحل له منها ولو أحل له فبئله منها لم یحل له ما سوی ذلك قلت أرأیت إن هو أحل له ما دون الفرج فغلبته الشهوة فافتضها قال لا ینبغی له ذلك قلت فإن فعل ذلك أیکون زانیا قال لا... ^۶

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۴۸.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۶۱.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۴۸.

۴. همان، ج ۱، ص ۸۴.

۵. همان، ج ۳، ص ۴۵۱.

۶. همان، ج ۳، ص ۴۵۵.

با بررسی احادیث فوق و مقایسه حضور نقش تعاملی در مقابل مجموع نقش های زبانی احادیث، این مهم دریافت می شود که نقش های تعاملی احادیث فوق در زمینه نقش های اکتشافی و اطلاع رسانی آن هاست و یا تکمیل کننده این دو نقش است. همچنین قرار گرفتن نقش تعاملی در مرتبه سوم نقش های پربسامد احادیث فوق (۱۲٪)، نشان از اهمیت تعامل در ایجاد ارتباط گفتمانی احادیث زنانه دارد. چنین ارتباطی میان پیام رسان (معصومان علیهم السلام) و پیام گیر (مخاطب خاص و یا عامه) بر سراثبات مسائل فقهی مربوط به زن صورت می گیرد تا این که به تدریج قابلیت های چهره موفق (پیام رسان) همراه با هنرنمایی های خاص زبانی جلوه می یابد. نتیجه این شیوه ارتباط - که معمولاً با ارائه براهین به قصد اثبات پیام مورد نظر پیام رسان صورت می گیرد - بارها با واژگان و تعبیری خاص همچون «قال، قلت، شهد، شهدت و ادوات استفهام» در طول پیام به پیام گیر منتقل می شود.

۳-۲-۴. نقش تنظیم کننده^۱

نظریه هلبیدی بر پایه نقش و جایگاه پیام رسان و پیام گیر در مجرای ارتباط بنا شده است. در کاربردشناسی منظور از عنصر غالب «کاربرد واحد یا واحدهایی است که به دلیل بسامد بالا، گونه ادب حاکم بر متن را تعیین می کند».^۲ از لحاظ ساختار ارتباطی، عنصر غالب احادیث کتاب من لایحضره الفقیه را می توان پیام رسان دانست که در نقش تنظیم کننده آن را به خوبی می توان دریافت کرد.

محور نقش تنظیم کننده صیغه اول شخص و زمان حال است. آن جا که هنجارهای اجتماعی روابط افراد را شکل می دهد، این نقش «بیشتر در بافت هایی که دارای قوانین مشخصی است»^۳ رخ می دهد و «از طریق دستور دادن و هشدار دادن، رفتار مخاطب را کنترل می کند و به آن نظم می بخشد».^۴ فرستنده این نوع پیام، مخاطب خاصی را که به دنبال کنترل رفتار اوست، مدنظر دارد؛ به عنوان مثال وقتی پیام رسان (معصومان) در معرض رفتاری خاص از مخاطب قرار می گیرند و قصد ارشاد و راهنمایی او را دارد، پیامی را انتقال می دهند که مشخصاً به همان مخاطب خاص اشاره خواهد داشت. بسامد نقش

1. Regulatory.

۲. نوشته های پراکنده، دفتر سوم: نگاهی به بسامد و بسامد نویسی، ص ۱۳.

3. Creating authentic materials and activities for the adult literacy classroom: A handbook for practitioners. Pp:7.

4. Explorations in the functions of language. Pp:30.

تنظیم‌کننده در احادیث مورد بحث (۹٪) است. مثال‌های زیر این نقش را در احادیث مورد بحث به خوبی نشان می‌دهد:

بافت	پیام‌گیر	پیام‌رسان	گزاره
اهمیت مُتعه	راوی	امام صادق <small>علیه السلام</small>	إِنِّي لَأَكْزُهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَمُوتَ وَقَدْ بَقِيَثَ عَلَيْهِ خَلَّةٌ مِنْ خِلَالِ رَسُولِ اللَّهِ <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> لَمْ يَأْتِهَا... ^۱
افترا به زن	محمد بن سلیمان	امام صادق <small>علیه السلام</small>	وَلَا بُدَّ مِنْ أَنْ يُقَامَ عَلَيْكَ الْحَدُّ الَّذِي أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ ^۲
امرار معاش زن	راوی	امام رضا <small>علیه السلام</small>	وَلَا بَأْسَ بِكَسْبِ النَّائِحَةِ إِذَا قَالَتْ صِدْقًا ^۳
شرایط مُتعه	محمد بن اسماعیل	امام رضا <small>علیه السلام</small>	لَا يَبْغَى لَكَ أَنْ تَتَزَوَّجَ إِلَّا بِمَأْمُونَةٍ ^۴
شهادت زن	محمد بن مسلم	امام باقر <small>علیه السلام</small>	لَا سَبِيلَ لِلْأَخِيرِ عَلَيْهَا وَيُؤْخَذُ الصِّدَاقُ مِنَ الَّذِي شَهِدَ وَرَجَعَ فَيُرَدُّ عَلَى الْأَخِيرِ... ^۵
سوگند تمکین زن	منصور بن حازم	امام صادق <small>علیه السلام</small>	فَإِنْ عَزَمَ الطَّلَاقَ بَانَتْ مِنْهُ وَعَلَيْهَا عِدَّةُ الْمُطَلَّقَةِ وَالْأَكْفَرُ يَمِينُهُ وَأَمْسَكُهَا ^۶

با نگاه به جدول فوق و انطباق پیام‌رسان و پیام‌گیر چنین دریافت می‌شود که پیام‌رسان (معصومان) در این احادیث به نسبت پیام‌گیر (راوی و یا مخاطب خاص) از وجهه اجتماعی بالاتری برخوردار است. لذا این شرایط ایجاب می‌کند که مسأله مهمی میان طرفین گفتگورد و بدل شود و پیام‌رسان از عباراتی که نشان‌گر قدرت وی است استفاده

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۶.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۳۹.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۶۲.

۴. همان، ج ۳، ص ۴۵۹.

۵. همان، ج ۳، ص ۶۰.

۶. همان، ج ۴، ص ۳۳۲.

نماید. ذکر عبارات «أکره، لابد، علیک، لا سیبل علیها، لا بأس و علیها» نشان می‌دهد پیام از میزان آمرانگی بالایی برخوردار است و نقش زبانی آن سخن جهت تنظیم رفتار پیام‌گیر قرار می‌گیرد. در توضیح، باید افزود که عموم زبان‌شناسان معتقدند در چنین ارتباطی «هر فردی از یک طرف رمزگذاری و از طرفی دیگر رمزگشایی می‌کند».^۱ براساس الگوی رمزگشایی احادیث فوق، «مغز انسان نوعی نظام رمزگذاری دارد که تصاویر ذهنی و ایده‌ها را به کلمات و نمادهای قابل ارائه و بیان تبدیل می‌کند».^۲ بنابراین «حضور و غیاب هریک از این عوامل در نقش‌های زبانی و ساختار سلسله‌مراتبی آن‌ها، نه تنها می‌تواند برای توصیف واحدهای زبانی به کار رود، بلکه طبق و نوع این واحدها را نیز توصیف می‌کند».^۳

۳-۲-۵. نقش ابزاری^۴

از این نقش «برای درخواست کردن، اجازه گرفتن، قرض گرفتن و به طور کلی برآورده کردن نیازها استفاده می‌شود».^۵ فرستنده این نوع پیام، می‌تواند مخاطب خاصی را مدنظر نداشته باشد؛ بلکه خطاب او به هر کس باشد. این نقش زبانی بیشتر در قالب پرسش‌هایی که در احادیث مورد بحث (۶٪) در قالب خواهش و درخواست صورت می‌پذیرد، ایفای نقش می‌کند. در ادامه برای نشان دادن این نقش چند نمونه از این احادیث را عیناً نقل می‌کنیم:

گزاره	پیام‌رسان	پیام‌گیر	بافت	ارجاع
وَأَمْرًا أَرْضَعْتُ بَعْضُ وُلْدِي هَلْ يَجُوزُ لِي أَنْ أَتَزَوَّجَ بَعْضَ وُلْدِهَا	امام کاظم <small>علیه السلام</small>	علی بن شعیب	ازدواج با فرزندان رضاعی	الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۶
فَقَالَ لَهَا إِنَّ الْعَبْدَ هَلْ لَكَ أَنْ أُعِينِكَ عَلَى مُكَاتَبَتِكَ حَتَّى تُؤَدِّي مَا عَلَيْكَ بِشَرْطِ أَنْ...	امام صادق <small>علیه السلام</small>	سلیمان بن خالد	طلاق برده	همان، ج ۳، ص ۵۴۳
سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ الْبَسَاءِ هَلْ تَجُوزُ فِي نِكَاحٍ أَوْ طَلَاقٍ أَوْ رَجْمٍ	امام کاظم <small>علیه السلام</small>	محمد بن فضیل	شهادت دادن زن	همان، ج ۳، ص ۵۱

۱. «بررسی شرایط تولید و دریافت معنا در ارتباط گفتمانی»، ص ۲۹.

۲. ارتباط‌شناسی، ص ۲۷۹.

3. "The Functions of Language". Pp: 2.

4. Instrumental

5. Explorations in the functions of language. Pp:28.

۲-۱-۶. نقش تخیلی^۱

پیام‌رسان «با استفاده از این نقش زبانی در پی ایجاد یک دنیای خیالی برای خود است. لذا سعی می‌کند با شعرسرایی، قصه‌پردازی و لطیفه‌سرایی، صحنه‌سازی‌های تخیلی داشته باشد».^۲ این نقش زبانی در احادیث مورد بحث هیچ حضوری نداشته است. علت این بسامد آن است که متن‌های علمی و به ویژه متن‌های صرفاً فقهی به خاطر ماهیت وجودیشان، نمی‌تواند مجال برای شعرسرایی، قصه‌پردازی و لطیفه‌سرایی باشد. استفاده از زبان ادبی، متن را دارای دو سطح می‌کند: سطحی که خواننده با آن تماس دارد و سطحی که در زیر این سطح پنهان است. اگرچه این دو به طور موازی پیش می‌روند، اما عبور از مجازهای زبانی که معنا را توسعه می‌بخشند، به آسانی صورت نمی‌پذیرد. برای این که رویه بیرونی متن حدیث، در عین بلاغت و زیبایی، خود به پدیده‌ای تبدیل می‌شود که با جلوه‌گری نظر را به خود معطوف و ذهن را دست‌کم برای زمانی اندک، از معنا منفک می‌کند، لذا پیام‌گیر در متون فقهی برای رسیدن به معنا چیزی جز همین صورت را در اختیار ندارد و باید از رهگذر همین واژه‌ها و جمله‌های موجود به آن معنا برسد، بنابراین در درک فحوای سخن پیام‌رسان (معصومان علیهم‌السلام) در سردرگمی محض قرار می‌گیرد.

۳-۲-۶. نقش فردی^۳

در این نقش «احساسات و عواطف شخصی و حالات روحی و روانی پیام‌رسان بیان می‌شود».^۴ عباراتی که دلالت بر تعجب، اظهار رضایت، نگرانی، تأسف و بیان علایق داشته باشد، در این نقش زبانی به کار رفته است. نقش فردی در احادیث مورد بحث هیچ حضوری نداشته است و دلیل آن را می‌توان در این دانست که ماهیت این احادیث بر پایه پرسش و پاسخ و بیان مباحث علمی-فقهی است. لذا جایی برای طرح احساسات شخصی و خلجان‌ات درونی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

از مجموع آن چه درباره نقش‌های زبانی احادیث مرتبط به زن در کتاب من لایحضره الفقیه

1. Imaginative
2. Explorations in the functions of language. Pp: 39.
3. Personal.
4. Explorations in the functions of language. Pp:41.

گفته شد، این نتایج به دست آمد:

الف. در این احادیث به علت ایجاد فضایی غیررسمی برای گفتگو میان پیام‌رسان (معصومین علیهم‌السلام) و پیام‌گیر (راوی و افراد عادی)، رفتار کلامی آن‌ها به گونه‌ای برای مخاطب عرضه می‌شود که بیشتر در جهت حفظ اعتبار اجتماعی پیام‌گیر باشد؛ تا به عنوان کنش تهدیدآفرین آن. آمار مندرج در جدول زیر مؤید این مدعاست^۱:

جدول فراوانی و درصد جایگاه اجتماعی پیام‌رسان و پیام‌گیر در احادیث مورد بحث					
فراوانی	پیام‌رسان	پیام‌رسان	پیام‌گیر	پیام‌گیر	جمع کل
	مثبت	منفی	مثبت	منفی	پیام‌گیر
۹۱۱	۲۸	۲۸	۲۸	۹۳۲	۹۶۰
۹۵٪	۵٪	۵٪	۵٪	۹۵٪	۱۰۰٪

ب. بیشترین بسامد نقش زبانی متعلق به نقش اطلاع‌رسانی و اکتشافی است و همچنین نقش فردی و تخیلی هیچ بسامدی در احادیث فوق نداشتند. جدول زیر گویای این بسامد است:

فراوانی	اطلاع‌رسانی	اکتشافی	تعاملی	تنظیم‌کننده	ابزاری	فردی	تخیلی	جمع کل
۳۸۸	۳۱۲	۱۱۶	۸۸	۵۶	۰	۰	۰	۹۶۰
۴۱٪	۳۳٪	۱۲٪	۹٪	۵٪	۰٪	۰٪	۰٪	۱۰۰٪

در توضیح جدول فوق باید افزود قرارگرفتن نقش اطلاع‌رسانی در رتبه نخست نقش‌های زبانی احادیث زنانه کتاب من لایحضره الفقیه نشان می‌دهد جهت‌گیری این احادیث بیشتر به سمت موضوع پیام است. بنابراین جملات می‌تواند از منظر پیام‌گیر تصدیق و یا تکذیب شود. این نقش و اهمیت آن موجب می‌شود پیام‌رسان (پیام‌بر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین علیهم‌السلام سخن را به صورتی کاملاً روشن و بدون استفاده از واژه‌های چندمعنایی به گونه‌ای ادا کند که امکان بروز ابهام در معانی جمله میسر نشود. علت این امر در آن است که طرح مباحث فقهی - که گاه جابجایی برخی از واژگان آن باعث درک نادرست از پیام مورد نظر می‌گردد - ایجاد می‌کند که پیام‌رسان سخن خود را به صورت مستقیم و بدون پرده بیان نماید. بنابراین

۱. علامت مثبت و منفی در جدول فوق بیان‌کننده اخلاقیات مثبت و منفی فرد نیست، بلکه منظور از مثبت جایگاه اجتماعی بالای فرد نسبت به طرف مقابلش است و منظور از منفی جایگاه اجتماعی پایین‌تر او نسبت به طرف مقابل.

چنین به نظر می‌آید که فراتر از فهم معنای واژه‌ها، مقاصد پیامبر ﷺ و معصومان  و شرایط تولید متن را نیز باید شناسایی کرد و از این طریق به فهم کاملی از زمینه‌های صدور موضوع حدیث دست پیدا کرد.

درباره نقش اکتشافی به عنوان دومین نقش پرسامد در این احادیث باید گفت حرکت پرسش‌واژه‌هایی همچون «سألْتُ و سُئِلْتُ» با تفصیل زیاد و پرسش مستقیم است. این نقش زبانی نشان می‌دهد که پرسش به متن حدیث وابستگی مضاعفی دارد؛ زیرا بعد از چند پاراگراف جنبه‌های مبهم برای پیام‌رسان شفاف خواهد شد. تکرار این ساختار در احادیث متعدد بر میزان خوش‌ساخت بودن پرسش «سألُ» و وابسته بودن آن به متن، تأثیر مستقیم و معناداری دارد. همچنین قرار گرفتن نقش تعاملی در مرتبه سوم نقش‌های پرسامد احادیث فوق نشان از اهمیت تعامل در ایجاد ارتباط گفتمانی احادیث زنانه دارد. چنین ارتباطی میان پیام‌رسان (پیامبر ﷺ و معصومان ) و پیام‌گیر (مخاطب خاص و یا عامه) بر سر اثبات مسائل فقهی زنانه صورت می‌گیرد تا این‌که به تدریج قابلیت‌های چهره موفق (پیام‌رسان) همراه با هنرنمایی‌های خاص زبانی جلوه می‌یابد. نتیجه این شیوه ارتباط - که معمولاً با ارائه براهین به قصد اثبات پیام مورد نظر پیام‌رسان صورت می‌گیرد - بارها با واژگان و تعبیری خاص همچون «قال، قلت، شهد، شهدت و ادوات استفهام» در طول پیام به پیام‌گیر منتقل می‌شود. همچنین درباره عدم حضور نقش فردی و تخیلی در احادیث مورد بحث می‌توان به این نکته اشاره کرد که متن‌های صرفاً فقهی به خاطر ماهیت وجودیشان، نمی‌تواند مجالی برای بروز احساسات و عواطف شخصی (نقش فردی) و همچنین شعرسرایی، قصه‌پردازی و لطیفه‌سرایی (نقش تخیلی) باشد.

در پایان باید گفت که منظورشناسی احادیث زنانه کتاب من لایحضره الفقیه بر این اصل مبتنی است که پیام‌رسان (پیامبر ﷺ و معصومان ) در ارتباط خود با پیام‌گیر (راوی)، از واژگان و تعبیری استفاده می‌کند که ذهنش روی آن‌ها متمرکز است و به عنوان نقش اصلی زبان در ذهن پیام‌رسان جَولان می‌یابد.

کتابنامه

- ارتباط‌شناسی، مهدی محسنیان راد، تهران: سروش، ۱۳۷۸ ش.
- از زبان‌شناسی به ادبیات، کورش صفوی، کورش، تهران: سوره مهر، سوم، ۱۳۹۰ ش.
- الأسلوبية الرؤیة والتطبیق، یوسف أبوالعدوس، عمان: دارالمسیرة، ط ۳، ۱۴۲۷ ق.
- الجامع الصحیح، محمد بن اسماعیل البخاری، ریاض: بیت الأفكار الدولية للنشر، اول، ۱۹۸۷ م.

- جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبديع، أحمد الهاشمی، تهران: سرور، دوم، ۱۴۲۵ق.
- دانش نامه نظریه های ادبی معاصر، ایرنا ریما مکاریک، ترجمه: مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه، دوم، ۱۳۸۵ش.
- دستور مفصل امروز بر پایه زبان شناسی جدید، خسرو فرشیدور، تهران: سخن، دوم، ۱۳۸۴ش.
- رویکرد ارتباطی در آموزش زبان، کلود ژرمن، ترجمه: روح الله رحمتیان، تهران: سمت، اول، ۱۳۸۸ش.
- زبان فارسی: زبان علم، عادل رفیعی و رضامراد صحرایی، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، دوم، ۱۳۹۲ش.
- فقه اللغة العربیة. کاصد یاسر الزیدی، جامعة موصل: دارالکتب، اول، ۱۹۸۷م.
- کاربردشناسی زبان، جورج یول، ترجمه: عموزاده، محمد؛ توانگر، منوچهر، تهران: سمت، دوم، ۱۳۸۳ش.
- معالم البلاغة در علم معانی و بیان و بديع، محمد خلیل رجائی، شیراز: دانشگاه شیراز، پنجم، ۱۳۷۹ش.
- معانی و بیان، محمد علوی مقدم و رضا اشرف زاده، تهران: سمت، سوم، ۱۳۸۱ش.
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه، بیروت: دارالتعارف، سوم، ۱۹۸۱م.
- نوشته های پراکنده؛ دفتر سوم: نگاهی به بسامد و بسامد نویسی، کورش صفوی، تهران: علمی، دوم، ۱۳۹۱ش.
- «بررسی زبان مؤدبانه در فارسی کنونی از نظر جامعه شناسی زبان»، کاظم لطفی پور ساعدی، مجله ادبیات و زبان ها، دوره ۱۳، شماره ۶۲، ۱۳۶۲ش، ص ۲۷۱-۲۹۲.
- «بررسی شرایط تولید و دریافت معنا در ارتباط گفتمانی»، حمیدرضا شعیری و بیتا ترابی، دانشگاه الزهراء: زبان پژوهی، دوره ۳، شماره ۶، ۱۳۹۱ش، ص ۲۳-۴۹.
- «بررسی متغیرهای فرهنگی در ارتباطات میان ایرانیان و فرانسویان براساس الگوهای زبانی»، محمدرضا فارسیان و آزاده فسنتقزی، دانشگاه تربیت مدرس: جستارهای زبانی، دوره ۷، شماره ۷، ۱۳۹۵ش، ص ۱۷۳-۱۹۵.
- «السياق و مقتضى الحال فى مفتاح العلوم: متابعة تداولیة»، بادیس لهویمیل، جامعة لسكرة: مجلة المخبّر، العدد ۹، ۲۰۱۳م، ص ۱۶۵-۱۸۳.
- «کشف و توصیف انواع تلویح در فارسی محاوره ای با توجه به فرهنگ فارسی زبانان تهران»،

- سهیل روزبه و دیگران، دانشگاه تربیت مدرس: فرهنگ و ادبیات عامه، دوره ۵، شماره ۱۸، ۱۳۹۶ش، ص ۱۸۳-۲۰۵.
- «مقابله منظورشناختی در زبان های انگلیسی و فارسی»، لطف الله یارمحمدی، نشریه دانشکده ادبیات باهنر کرمان، سال ۲، شماره ۳، ۱۳۷۷ش، ص ۶۷-۸۹.
- «نظریه التأدب فی اللسانیات»، محمد حمراوی، دمشق: مجلة ألف، السنة ۳، العدد ۴، ۲۰۱۵م، ص ۱۳۱-۱۴۰.
- "The Functions of Language". Hebert, L. In Louis Hébert (dir.). Signo, Rimouski (Quebec). 2011.
- "Givenness, Contrastiveness, Definiteness, Subjects Topics and point of view". Chafe, W.L. In C, Lised. Subject and Topic, New York: Academic press. Pp 13-32. 1976.
- "Reconsidering power and distance". Spencer-Oatey, H. Journal of Pragmatics. Vol. 26. Pp. 1-24. 1996.
- *Creating authentic materials and activities for the adult literacy classroom: A handbook for practitioners*. Jacobson, E., Degener, S., & Purcell-Gates, V. New York: NCSALL. 2003.
- *Explorations in the functions of language*. Halliday, M. A. K. London: Edward Arnold. 1973.
- *Language and linguistics*. Layouns, John. Cammbridge: Cambridge University press. 1990.
- *Meaning in Interaction: An introduction to pragmatics*. Thomas, J. London: Longman. 1995.
- *Pragmatics*. Peccei, Jean Stiwel. London. New York: Routlege. 1999.
- *Principles of pragmatics*. Leech, Geoffry. London: Longman. 1983.
- *sociolinguistics: an Introduction to Language and Society*, Trudgill, p. E4, Penguin Books. 2001.
- *The Sociolinguistics of Language*. Fasold, Ralph. Oxford: Basil Blackwell. 1990.